

# تاریخ ایرانی از منظر عزت الله سبحانی



علیرضا طبریزان

کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی  
از دانشگاه تهران و پژوهشگر تاریخ  
معاصر

اسلام و اسلامیت گردید و ایرانی‌ها در این نهضت، اگر نه یگانه، بلکه یکی از پایه‌های اصلی و پرشور شکوفایی مجدد اسلامیان در جهان شده می‌شوند.<sup>۲</sup>

ورود اسلام به ایران و بالاخص میل ایرانیان به شیعه، در تعارض با تاریخ پادشاهان ایران است. از نظر سبحانی دولت از قدیم‌الایام به عنوان نهادی در خدمت مردم و برای تنظیم امور و زندگی مردم نبوده است.<sup>۳</sup> او در جای دیگر دیدگاهش را درباره تاریخ ایران، به وضوح بیان می‌کند و می‌نویسد: «در تاریخ ایران هیچ‌گاه دولت در خدمت توده یا طبقات محروم قرار نگرفته است و به عکس، خود، نگهبان و سازنده طبقه حاکمه ستمگر بوده و هست».<sup>۴</sup>

اما بعد از ورود اسلام به ایران و آشنایی ایرانیان با مذهب شیعه، مناسبات تغییر می‌کند. در اینجا است که سبحانی به تأسی از مرتضی مطهری، تلاش می‌کند نشان دهد که مکتب شیعی، جهان بینی متفاوتی به ایرانیان داد. او معتقد است:

از نظر جهان بینی و فلسفی، شیعه مفهوم توحید را تا وسیع‌ترین معنای آن، توحید ذات، توحید صفات، توحید افعال گسترش داد، که معنای اجتماعی آن وحدت عالم انسانی و حذف و طرد طبقات و حاکم و محکوم و رهایی مطلق انسان‌ها، و هماهنگی تام و تمام انسان با نظامات و نوامیس و قوانین هستی می‌باشد...<sup>۵</sup>

او در جای دیگر می‌نویسد: «از دیدگاه شیعه، جامعه توحیدی از نظر اقتصادی و اجتماعی مترادف و برابر می‌شود با جامعه‌ای که در آن از سلطه‌های ظالمانه و روابط و مناسبات حاکم و محکومی و ظالم و مظلومی اثری نیست».<sup>۶</sup>

بنابراین، سبحانی با کسانی که مانند «فتحعلی آخوندزاده» بر تاریخ

کتاب، در نقد فتحعلی آخوندزاده، ملکم‌خان و در دفاع از آرا و عقاید سید جمال‌الدین اسدآبادی است. اما نکته بارز در نقد او، تلاش وی در کم‌رنگ نشان دادن ایران قبل از ورود اسلام و تأکید بر وجهه اسلامی ایرانیان است. در واقع او می‌کوشد نشان دهد که وجهه اسلامی ایرانیان بر وجهه به قول او «آریایی» آنها غلبه دارد و آنچه قبل از مشروطه، در ایام مشروطه و بعد از آن رخ داد، همه، سیر تکاملی انقلاب اسلامی بود که در سال ۱۳۵۷ شمسی، به ثمر نشست. او در دهه پنجاه شمسی، بر این نظر بود که عنصر نژادی و آریایی ایرانی‌ها در طول تاریخ کم‌رنگ شده، و عناصر اسلامی، عرفانی، مکتب اهل بیت و فرهنگ شیعی آن، تقویت شده است. عزت‌الله سبحانی در این باره می‌نویسد:

طی تحولات تاریخی دوهزار و پانصد ساله، به ویژه سیزده قرن پس از ورود اسلام و فرهنگ اسلامی به ایران، عوامل و عناصری از واقعیت ملی و ملیت ایرانی، به تدریج غائب یا کم‌رنگ‌تر شده و به عکس عناصر دیگری نقش و اثر و بروز و فعلیت روزافزون یافته‌اند. عمده‌ترین عنصری که به غیبت گرایید، عنصر نژادی و آریایی بود و مهمترین عاملی که ظهور کرد و شدت روزافزون یافت، اسلام، عرفان، مکتب اهل بیت نبوت (ص) و فرهنگ شیعی بود.<sup>۱</sup>

از نظر سبحانی، ملیت ایرانی با ملل اسلامی، یگانگی و وحدت بیشتری دارد تا با هم‌نژادان آریایی و هندواروپایی. او در ادامه می‌نویسد:

بنابراین، تجدید حیات ملیت ایرانی با تجدید حیات روح و فرهنگ اسلامی قرابت و هم‌هویی ویژه‌ای دارد و نهضت ملی ایران در روند تکاملی خود، نهضت تجدید حیات

عزت‌الله سبحانی